

گنجینه زبان های ایرانی (۱)

متون اوستایی

آبان یشت

(سرود اوستایی در ستایش اردوی سورا نا هید)



ناشر ایران شناسی و خاورشناسی

مرکز فروش و شماره‌های تماس: تهران. بالاتراز میدان ولیعصر. کوچه فرخی پلاک ۴۱ واحد ۷.

www.avayekhavar.ir

info@avayekhavar.ir

Telegram & Tel: (+98) 930 554 0308

Tel: (+98) 21 888 956 21

Fax: (+98) 21 364 264 58

آبان‌یشت (سرود آسایی در ستایش اردوی سوراناهید)

نویسنده: دکتر چنگیز مولایی

ناشر: آوای خاور

طراح: استاد قباد شیرازی

چاپ: لوح

ناظر چاپ: زهرا احمدوند

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

سال و نوبت چاپ: ۱۳۹۸، نخست

قیمت: ۹۵۰۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-9923-04-5

حق چاپ محفوظ و متعلق به انتشارات آوای خاور است. هرگونه نسخه برداری اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری بدون مجوز کتبی ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل تعقیب است.

سرشناسه: مولایی، چنگیز، ۱۳۴۵ -

عنوان و ناو: پدیدآور: آبان یشت (سرود اوستایی در ستایش اردوی سوره اناهید)/ چنگیز مولایی.

وضعیت ویراسته: ویراست ۲.

مشخصات نشر: تهران: آبان یشت، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری: ۸۰ صفحه.

شابک: 978-600-9923-04-5

وضعیت فهرست نویسی: فیفا.

یادداشت: ویراست قبلی کتاب حاضر توسط مرکز معارف بزرگ اسلامی، مرکز پژوهش های ایرانی و اسلامی

در سال ۱۳۹۲ منتشر شده است.

یادداشت: واژه نامه.

یادداشت: کتاب نامه.

یادداشت: واژه نامه.

موضوع: اوستا، یشت ها، آبان یشت.

موضوع: Avesta. Yashts. Aban Yasht

موضوع: شعر اوستایی.

موضوع: Avestan poetry

موضوع: شعر اوستایی -- ترجمه و تفسیر

موضوع: Avestan poetry -- Translation and Commentary

رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۱۰۵۱ PIR

رده بندی دیویی: ۲۹۵/۸۲

شماره کتابشناسی ملی: ۵۳۵۷۴۲۰

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۱
پیش‌گفتار چاپ دوم	۷
مقدمه	۹
آبان‌یشت	۱۱
دست‌نویس‌های آبان‌یشت	۱۶
نمودار ویشاویستی دست‌نویس‌های آبان‌یشت	۱۹
ترجمه‌های آبان‌یشت	۲۲
اردوی سوران‌اناهید	۲۳
متن و ترجمه	۴۱
یادداشت‌ها	۱۵۱
منابع	۳۲۱
نمایه متن‌ها	۳۳۹
نمایه واژه‌ها	۳۴۷

پیش گفتار

یشت پنجم ارستا، به لحاظ مضمون و محتوی، تنوع مطالب و ساختار ویژه‌اش، در میان یشت‌های کهن از امتیازهای خاص برخوردار است. این یشت از یک سو کهن‌ترین قطعات حماسی برجای مانده از ادیان باستان را دربردارد و کامل‌ترین صورت روایات افسانه‌ای مربوط به تاریخ روایی ایرانی با نظام و سامان خاصی در طول آن گزارش شده است و از دیگر سو مشتمل بر عالی‌ترین قطعات غایی، در توصیف یکی از ایزدبانوان کیش کهن ایرانی است؛ گذشته از این، هم به لحاظ زبان و ساختار و پر صلابت خود، همواره توجه زبان‌شناسان و علمای فقه‌اللغه را به خود جلب کرده و هم مواد کافی و غنی برای مطالعه ساختار شعری و بلاغت و وزن اشعار اوستایی را اختیار اهل تحقیق قرار داده است. دانشمندان غربی که به بررسی این یشت اقبال نموده و رسالاتی درباره آن نوشته‌اند، در پژوهش خود غالباً یکی از مسائل اساسی مربوط به این یشت را در نظر داشته و از پرداختن به مقولات دیگر که خارج از حوزه تحقیق آنان بوده است، پرهیز کرده‌اند؛ همین لحاظ تکفل پژوهشی جامع در باب تصحیح و پیرایش متن این سرود بلند اوستایی و شرح و گزارش آن با مراجعه دائم به تحقیقات و تتبعات دانشمندان و متخصصان فقه‌اللغه ایرانی و بهره‌گیری از دستاوردهای علمی علمای ادیان و مذاهب و پژوهشگران تاریخ و جغرافیا و فرهنگ و اساطیر ایران، کاملاً ضرورت داشت. گزارش حاضر که با عنوان «آبان یشت» به پیشگاه ارباب فضل و ادب و دوستان فرهنگ و زبان‌های باستانی ایران تقدیم می‌شود، کوششی، البته به قدر وسع و توان نگارنده، در تحقق این امر مهم است. این گزارش مشتمل بر یک مقدمه و دو بخش به شرح زیر است:

در مقدمه پس از معرفی *آبان یشت*، دستویس‌ها و اهم ترجمه‌های آن به زبان‌های اروپایی، به تفصیل درباره معنی و اشتقاق اجزاء نام اردوی سوراها، پیشینه پرستش این ایزدبانو در دوره هند و ایرانی، گسترش و رواج آیین او در ایران و فراتر از مرزهای ایران، در ارمنستان و لیدی و پونتوس و کاپادوکیه، بحث شده است.

در بخش اول، متن پیرایش شده *آبان یشت* به صورت آوانوشت و ترجمه فارسی آن آمده است. کوشش شده است تا هر بند اوستایی همراه با ترجمه فارسی و تفصیل نسخه بدل‌های آن در یک صفحه ارائه شود، اما در مواردی معدود (بندهای ۹، ۳۴، ۵۰، ۱۳۰) به دلیل تفصیل بند و دودست صفحه، بخشی از مطالب، به صفحه بعدی انتقال یافته است. اساس کار در صحیح متن، بررسی انتقادی نسخه چاپی گلدنر و ضبط دستویس‌هایی بود که آن دانشمند فقیه با دقت و موااس بی نظیر علمی، اختلافات آنها را در حاشیه متن مصحح خود، ضبط کرده است. سر می‌کنم پژوهشگران اوستا در پیرایش متن، برای همیشه وام‌دار کار سترگ گلدنر خواهند بود؛ چه امکان گردآوری قریب ۱۳۰ نسخه خطی مورد استفاده او، نصیب فرد دیگری نخواهد شد. اغلب این دستویس‌ها از آن زمان تا کنون ناپدید شده‌اند و از سرنوشت آنها اطلاعی در دست نیست.

تحقیقاتی که پس از انتشار اوستای ویراسته گلدنر به عمل آمده است، صراحتاً نشان می‌دهد که دستویس F1 نه تنها اقدام دستویس‌های موجود، نیست‌ها است، بلکه معتبرترین آنها نیز به شمار می‌آید و بی‌جهت گلدنر بسیاری از ضبط‌های اصلاحی که در آن را از متن به حاشیه برده و ضبط‌های ساده شده دستویس‌های دیگر را جایگزین آنها کرده است؛ با این همه باید یادآوری کرد که در این دستویس نیز اغلاطی، البته نه چندان کم، راه یافته است که اعتماد صرف به آن، بی‌گمان موجب به بیراهه رفتن مصحح خواهد شد. پاره‌ای از اغلاط F1 را کاتب نسخه E1 نیز تشخیص داده و از روی دستویس دیگری که در اختیار داشته، آنها را اصلاح کرده است. در این میان دستویس J10، یگانه دستویس مستقل از F1، نیز از اهمیت خاص برخوردار است و در مواردی دارای ضبط‌هایی کهن‌تر از F1 است. با عنایت به آنچه که معروض افتاد، در تصحیح حاضر، در هر موردی، تأمل درباره

ضبط F1 و تا حد امکان توجیه آن به عنوان ضبط کهن‌ترین و معتبرترین دستنویس‌ها، همواره در مد نظر بود، اما این به معنی غفلت از اصل مهم «قرائت دشوار برتر است» نبوده است؛ هر جا که صحت ضبط F1 قطعی می‌نمود، آن را پذیرفتم؛ در غیر این صورت ضبط‌های کهن و دشوار دستنویس‌های دیگر را جایگزین آن کردم. از تصحیح قیاسی متن تا حد امکان پرهیز کردم؛ مگر در مواردی که نشانه‌های فساد در دستنویس‌ها کاملاً روشن بود و دلایل و شواهد کافی برای تصحیح قیاسی در اختیار داشتم. هر جا که تصحیحی در متن اعمال شد، قرائت ضبط جدید را در متن با علامت + مشخص کردم و ضبط گلدنر را به حاشیه برد. در مواردی که لازم می‌نمود، درباره دلایل توجیهی اختیار قرائت جدید و رد ضبط گلدنر، راجش یادداشت‌ها به تفصیل بحث کردم. مسائل مربوط به وزن اشعار پشت‌ها را ابزاری برای افزایش یادداشت‌ها به تفصیل بحث کردم. مسائل مربوط به وزن ندادم؛ اما به پیروی از اصولی که محققان متقدم درباره اوزان شعری در زبان اوستایی عرضه کرده‌اند، حدود مصراع‌های ابیات را تعیین کردم.

در آوانویسی متن اوستایی از شیوه پیشنهادی هوفمن که سال‌ها است، بین اوستاشناسان غرب قبول عام یافته است، پیروی کردم. متأسفانه این شیوه در ایران، درست معرفی نشده است و پژوهشگران ایرانی بدون آنکه درباره تذکراتی که هوفمن در مورد ارزش آوایی نشانه‌های اوستایی و امکان جابجایی برخی از آنها در دستنویس‌های اوستا، تأمل کنند، اغلب شیوه هوفمن را حرف‌نویسی محض و مکانیکی متون اوستایی نشان داده و نوآوری هوفمن را، به آوردن مثلاً نشانه β به جای w و یا uu به جای v (در موضع میانی کلمات) خلاصه کرده‌اند؛ در حالی که توضیحات دقیق و روشن هوفمن، صراحتاً نشان می‌دهد که آن دانشمند صرفاً به دنبال ارائه روشی برای حرف‌نویسی محض این متن‌ها نبوده است. اجازه می‌خواهم مقصود خود را با مثال‌هایی روشن کنم: واژه‌های اوستایی vānuhi و frānharəntu حرف‌نویسی می‌شوند؛ در حالی که هوفمن با دلایل قطعی نشان داده است

گلدنر و ضبط مختار ما نشان داده شود، ضبط خود را با آخرین شماره‌ای که در متن گلدنر پیش از ضبط جدید آمده بود، همراه با یکی از حروف لاتین نشان دادم. به عنوان مثال، شماره (2) در متن، به معنی این است که گلدنر نسخه‌بدل‌های ضبط مختار خود را در حاشیه آورده است و من نیز بر مبنای بررسی‌های خود یا آن ضبط را پذیرفته‌ام و یا از روی دستنویس‌ها ضبطی دیگر اختیار کرده‌ام؛ اما اگر بعد از شماره (2) واژه‌ای آمده بود که ضبط گلدنر و دستنویس‌های مورد استفاده‌اش در آن مورد اتفاق داشتند، اما واژه نیاز به تصحیح داشت، پس از تصحیح واژه، ضبط گلدنر را با شماره (2^a) در پاورقی نشان دادم. غرض از اتخاذ چنین شرح‌های این بود تا خواننده، در آن واحد، هم متن مصحح نگارنده و هم متن ویراسته گلدنر را با کمی و کاست در اختیار داشته باشد. شماره‌های لاتین در متن، در بالای واژه‌های اوستایی، مربوط به پاورقی‌ها و شماره‌های بالای لغات و عبارت فارسی، مربوط به توضیحاتی است که در بعضی پاورقی‌ها آمده است.

به هنگام ترجمه متن، قدمت و کهنگی زبان و ساختار آبان یشت، همواره در مد نظر بود. مگر می‌شود، زبان فاخر فردوسی و نثر استوار بیهقی را کنار گذاشت و متنی به قدمت آبان یشت را به فارسی امروزی ترجمه کرد؟ با این همه، نمی‌توانم تا ترجمه برای همگان قابل فهم باشد، به همین جهت از آوردن کلمات نادر و الفاظ هرچه و بویژه از پریشانی و پا در هوا بودن عبارات فارسی به بهانه وفاداری به ساختار نحوی متن اوستایی کاملاً پرهیخته و در مواردی که گمان کرده‌ام واژه‌ای نامأنوس می‌نماید و نثر اندکی سنگین است، در درون () توضیح داده‌ام. گاهی برای شیوایی ترجمه و مفهوم شدن آن، مجبور شده‌ام کلماتی به متن اضافه کنم، این قبیل کلمات را درون [] قرار داده‌ام.

در بخش یادداشت‌ها که از تفصیل بیشتری برخوردار است و بخش عمده‌ای از این پژوهش را به خود اختصاص داده است، تمامی تعبیر و آراء محققان اوستا در خصوص تصحیح متن و ترجمه، معانی و اشتقاق لغات و توجیه مسائل نحوی آبان یشت را با دیدی انتقادی بررسی کرده و دلایل قوت و ضعف آنها را نشان داده‌ام؛ سپس پیشنهاد‌های خود را طرح کرده و مستندات آن را آورده‌ام. علاوه بر موارد مذکور، یادداشت‌هایی نیز در باره

ریشه‌شناسی، ساخت واژه، تحولات آوایی، نکات دستوری، برخی از اعلام اوستایی و سایر مسائل و مباحثی که از لحاظ دین‌شناسی و زبان‌شناسی حائز اهمیت بودند، فراهم آورده‌ام. همه این یادداشت‌ها از روی شماره‌هایی که در ترجمه فارسی بندها، در بالای واژه‌ها یا در پایان جمله‌ها قید شده‌اند، با ذکر شماره بند مورد بحث تنظیم شده‌اند.

در مراحل مختلف اجرای این پژوهش، از همدلی‌ها و پشتیبانی‌های معنوی همسر بردبار و مهربانم خانم هما زارع دوست و یابوری‌های بی‌دریغ دوستان دانشمندم، آقای دکتر محمود میدالار (کتابخانه دانشگاه ایالتی کالیفرنیا)، خانم دکتر فرح زاهدی (کتابخانه ملی ایران) و خانم الهام افضلیان (دانشجوی دکتری دانشگاه گوتینگن آلمان) در تهیه برخی از منابع، مآخذ که امکان دسترسی به آنها برایم میسر نبود، برخوردار بودم، زحمات این یاران گرامی را بجز نمی‌نویسم و دین‌شان را بر دمه خویش هرچند ادا نتوانم کرد، سپاس می‌گویم. همچنین بر خود فخر می‌دانم از دوستان و همکاران عزیزم در دانشگاه تبریز، آقایان دکتر محمدحسن جلالی، دکتر محسن میرزایی باوندپور و خانم حوریه عاقل‌نهند تشکر کنم که با هم‌فکری‌ها و پیشنهادها، نسخه خود نقش عمده‌ای در آراستگی این نامه برعهده داشتند. توفیق ایزدی همواره یارشان باد.

چنگیز مولایی

ساکن تبریز - تابستان ۱۳۹۲